

از سرای اهل قلم تا خیابان خوشبخت

بررسی مجموعه شعر «تا خیابان خوشبخت»
در سرای اهل قلم

فرزاد کفیلی

جعفر ابراهیمی (شاهد) شاعر و نویسنده کودکان و نوجوانان می‌گوید: «شاعرانی را سراغ دارم که از من و بسیاری دیگر مستعدتر بودند اما بی‌تواضعی و اینکه هیچ‌کس را قبول نداشتند و نقد پذیر نبودند آن‌ها را به تقلید و تکرار انداخت.» به گزارش خبرنگار کتاب ماه کودک و نوجوان، ابراهیمی که اول آبان در نشست نقد و بررسی مجموعه شعر نوجوان «تا خیابان خوشبخت» بابک نیک‌طلب سخن می‌گفت به وجود برخی رویکردها در میان شاعران انتقاد کرد و به نقد و بررسی آخرین مجموعه شعر نیک‌طلب پرداخت. علاوه بر ابراهیمی، نیک‌طلب شاعر مجموعه شعر نوجوان «تا خیابان خوشبخت» و عباس کریمی گرداننده نشست نیز در سرای اهل قلم حضور داشتند.

ابراهیمی در این نشست گفت: «بابک نیک‌طلب را از زمانی که نوجوان بود می‌شناسم؛ این را به این خاطر می‌گویم که من با سیر رشد و پیشرفت او آشنا هستم و می‌دانم چه راهی را طی کرده تا به «تاخیابان خوشبخت» رسیده است. یادم هست آن زمان نیک‌طلب ۱۲، ۱۳ سالش بود که با مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری

می‌کرد. در آن زمان من به همراه بیوک ملکی و اسدالله شعبانی با نوجوانانی مثل نیک‌طلب کار می‌کردیم و شعرهایشان را می‌خواندیم و در مجله‌ای که آن زمان برای بچه‌ها منتشر می‌شد آثارشان را چاپ می‌کردیم، یادم می‌آید اولین مصاحبه را هم در همان مجله با آقای نیک‌طلب انجام دادیم.

این شاعر پرسابقه ادامه داد: «هر کدام از این نوجوانان ویژگی‌هایی داشتند که با توجه به این ویژگی‌ها آن‌ها را راهنمایی می‌کردیم. خیلی از نوجوانی که آن سال‌ها با کانون همکاری می‌کردند هدفشان این نبود که شاعر و نویسنده کودک شوند و دوست داشتند برای بزرگسالان شعر بگویند ولی بعضی‌ها از ابتدا تمایل داشتند برای کودکان و نوجوانان کار کنند که افشین علاء از جمله هم‌دوره‌های نیک‌طلب بود که از همان وقت علاقه به شعر کودک و نوجوان داشت. اما آثار نیک‌طلب در آن زمان بیشتر حال و هوای غزل داشت و حس تغزلی در آثار او تا به امروز هم ادامه داشته که این یکی از ویژگی‌های کارهای اوست.»



جعفر ابراهیمی - شاهد

ابراهیمی در ادامه با بیان اینکه در نگاه اول سرودن شعر کودک و نوجوان ساده به نظر می‌رسد، گفت: «خیلی‌ها وسوسه می‌شوند برای شهرتی که شاعران کودک به دست می‌آورند به این عرصه بیایند و دست به تجربه‌هایی بزنند ولی تا استعداد ذاتی نداشته باشند و تجربه‌های خوبی از دوران نوجوانی خودشان بدست نیاورده باشند شاید به تکرار و تقلید بیافتند؛ شاعرانی هستند که توانسته‌اند کارهای زیادی منتشر کنند اما هنوز نتوانستند به کارهایشان هویت ببخشند و شناسنامه‌دار شوند.»

وی اضافه کرد: «زمانی که نیک‌طلب از دوران نوجوانی وارد جوانی

می‌شد احساس می‌کردم گرایش به غزل و شعر بزرگسال دارد ولی از یک طرف کودک درونش او را می‌داشت که به سمت دنیای کودک و نوجوان برود و این کودک درون قوی‌تر از آن حس بزرگسالانه بود که خب دوره‌ای رسید که احساس کردم نیک‌طلب به تعادلی رسیده که علاوه بر حفظ تغزل در کارهایش وارد

دنیای کودک و نوجوان هم شده. البته من و دوستان دیگرم فکرنمی‌کردیم او روزگاری بتواند برای کودکان و یا خردسالان شعر بگوید چون کسانی که ذهنشان به شعرهای بزرگسالان عادت دارد، مشکل بتوانند برای نوجوانان و جوانان شعر بگویند همین طورهعکس این موضوع هم صادق است. کسانی که همیشه شعر خردسال و کودک می‌گویند وقتی به سمت شعر نوجوانان می‌آیند دچار مشکل می‌شوند و تا حدودی ناموفق هستند. نیک‌طلب توانسته این سه گروه سنی را در آثارش همزمان پیش ببرد و در کار خودش موفق باشد. یکی از نکاتی که در کار یک شاعر کودک و نوجوان برای موفقیت لازم است این است که اولاً تواضع داشته باشد که تواضع از همان کودک درون سرچشمه می‌گیرد و به شاعر کودک و نوجوان یک شخصیت پاک می‌دهد؛ شخصیتی که دوست دارد مدام به دوران کودکی بازگردد و آن لحظه‌ها را در خودش زنده کند و با زبان امروزی روی کاغذ بیاورد.»

وی تاکید کرد: «سراغ دارم شاعرانی که از من و نیک‌طلب مستعدتر بودند اما تواضع نداشتند و هیچ کس را هم قبول نداشتند و نقد پذیر هم نبودند؛ آن‌ها به وادی‌هایی افتادند که از یکی دو کار اولیه آن‌ها استقبال شد اما این کار را کنار گذاشتند و به کارهایی چون نقد روی آورند ولی نیک‌طلب از آن کسانی بود که از همان دوران نوجوانی تواضع داشت و نقدپذیر هم بود و این سبب رشد او شد. او توانست علاوه بر شعر گفتن کارشناس ادبیات کودک و نوجوانان بشود. کمتر سراغ داریم کسی که هم شاعر خوبی باشد و هم کتاب‌های کودک و نوجوان جشنواره‌های مختلف را داوری کند.»

ابراهیمی با اشاره به این کتاب «تا خیابان خوشبخت» حاصل برخی تجربه‌های نیک‌طلب در حوزه کودک و نوجوان است، می‌افزاید: به نظرم تا خیابان خوشبخت عنوان شاعرانه‌ای برای یک کتاب است هرچند یک مقدار حال و هوای جوانانه و بزرگسالانه دارد و شاید تا کوچه خوشبخت نوجوانانه‌تر بود تا عنوان «تا خیابان خوشبخت». به هر حال این نام ما را به یاد حس و حال بزرگسالانه می‌اندازد ولی وقتی وارد شعرهای کتاب می‌شویم تا حدودی این حس کمرنگ می‌شود.»

ابراهیمی با انتقاد از تصاویر مجموعه شعر تا خیابان خوشبخت گفت: «نقاشی‌های کتاب را نپسندیدم چون لطافتی که در شعرها است در تصاویر دیده نمی‌شود؛ به‌نظرم تصاویر خیلی شهری و صنعتی هستند در حالی که در شعرها از طبیعت، ایمان



بابک نیک‌طلب

و زیبایی‌های خداوند صحبت می‌شود، تصاویر درگیر فضاهای امروزی و شهری هستند. احتمالاً تصویرگر تجربه زیادی در حوزه نوجوان نداشته است. در مجموع تصاویر به شعرها حال و هوای ماشینی و شهری داده و تصویرگر شاید تحت تاثیر اسم کتاب و فضای تهران قرار داشته است و ضمن اینکه نقاشی‌ها تنوع لازم را ندارند.»

وی افزود: موضوع دیگر ویرایش کار است که مربوط به نیک‌طلب نمی‌شود اما چون او در شورای شعر کانون مشغول است انتظار داشتم خودش بر ویرایش کار نظارت بیشتری داشته باشد. نوجوانان امروز متأسفانه در خوانش شعر مشکل زیادی دارند و خیلی سخت شعر می‌خوانند و تا وقتی که مثلاً اعراب‌گذاری مطلوب صورت نگیرد نمی‌توانند راحت شعرها را بخوانند به همین خاطر در برخی موارد از جمله صفات اسم‌ها ممکن است دچار مشکل شوند. مثلاً در شعر «برف» کتاب تا خیابان خوشبخت این موضوع مشهود است.

ابراهیمی برای تایید مدعایش برخی شعرهای این مجموعه را خواند.

این شاعر کودک و نوجوان با بیان اینکه این مجموعه ۱۳ شعر نوجوان نیک‌طلب را شامل می‌شود، اضافه کرد: به نظر من شاید اگر تعداد شعرها بیشتر بود و مثلاً تعدادشان به ۱۸ تا ۲۲ می‌رسید نوجوانان استقبال بهتری می‌کردند اما یک بدعت بد میان ناشران وجود دارد که همیشه احساس می‌کنند که تعداد شعرهای مجموعه‌های کودک و نوجوان نباید از ۱۲ تا بیشتر شود که این ممکن است برای بالا رفتن هزینه تصویرگری یا دلایل دیگر باشد.

این شاعر کودک و نوجوان تنوع موضوعات را از جمله ویژگی‌های مجموعه شعر تا خیابان خوشبخت عنوان کرد و افزود: در عین حال نوعی هماهنگی پنهان میان موضوعات است و از این نظر می‌توان کتاب را یک مجموعه منسجم دانست. همچنین از نظر قالب‌ها هم کتاب متنوع است و

می‌توان گفت نیک‌طلب از تعداد زیادی از قالب‌ها استفاده کرده و گاهی قالب‌ها را در آمیخته است.

ابراهیمی تصریح کرد: دو نوع صفحه آرایی در کتاب انجام شده که به نظر من بهتر بود یک گونه انجام می‌شد.

در ادامه نشست ابراهیمی انتقاداتی را متوجه علم‌کرد آموزش و پرورش دانست و گفت: درباره آموزش و پرورش معتقدم یکی از نابسامانی‌های بزرگ اجتماع ما همین آموزش و پرورش است؛ اصلاً نمی‌توان روی کارهایی که آموزش و پرورش می‌کند صحنه گذاشت یا به عنوان الگو قبولش کرد. برای مثال یکی از شعرهای من به نام «آبی بی پایان» سال‌ها در کتاب سال اول راهنمایی گنجانده شده بود اما ناگهان این شعر را در کتاب اول ابتدایی استفاده کردند. می‌بینید چقدر تفاوت میان

این دو گروه سنی است پس یا انتخاب اولشان غلط بوده یا انتخاب بعدی شان البته من خودم حس

می‌کردم این شعر برای سال سوم و یا چهارم ابتدایی مناسب است. دلیل این نابسامانی در آموزش و پرورش این است که یک سیاست منسجم و مسیری روشن در این سازمان وجود ندارد و با عوض شدن مدیران سلیقه‌ها عوض شده و تمام شعرها یک دفعه عوض می‌شوند.

ابراهیمی جمله‌ای از محمود کیانوش شاعر پیشکسوت کودکان و نوجوانان نقل کرد مبنی بر اینکه هر چیزی چه شعر

خوب و چه شعر بد_ به کودکان بدهید آن را می‌خوانند و با آن خودشان را می‌سازند و گفت: پس اگر به بچه‌ها شعر خوب بدهید آن‌ها خودشان را خوب می‌سازند و اگر شعر بد بدهید آن خود را بد می‌سازند. معمولاً بچه‌ها در دوره ابتدایی شناخت زیادی از شعر و ادبیات ندارند و راحت همه چیز را می‌خوانند.

در ادامه این نشست نیک طلب با تشکر از داوران جایزه کتاب فصل بهار به سبب تقدیر از این مجموعه شعر، گفت: در مورد اینکه شعر بزرگسال در شعر نوجوان حضور پیدا کند و یا قسمت‌هایی متأثر از هم باشد باید بگوییم نوجوانی هم بزرگسالی است و هم کودکی. خیلی عجیب نیست که نگاه بزرگسالانه هم در شعر نوجوان دیده شود.

وی افزود: «شعر نوجوان من مخاطب راهنمایی متمایل به دبیرستان را بیشتر مد نظر داشته؛ به نظرم بچه‌ها وقتی به چهارده، پانزده سالگی

می‌رسند می‌توانند شعر بزرگسال بخوانند مثلاً شعرهای سهراب و نیما را بخوانند البته شعر ما هم دنبال رو همان مجموعه هاست و خیلی دور نیست.

اگر جامعه را یک دست بگیریم می‌توان شعر را برای آن‌ها تقسیم بندی کرد و مثلاً بگوییم این چارچوب برای فلان گروه سنی مناسب است. درحالی که اینگونه نیست گاهی بچه‌های یک دبستان خیلی کتابخوان تر و فرهیخته‌تر از بچه‌های دبیرستانی هستند.

نیک طلب که به نظر می‌رسد برای انتشار مجموعه شعرش متحمل زحمات فراوانی شده، اضافه کرد: به نظرم گذر کردن از پلی به نام نشر به اندازه ۱۰ تا جایزه کتاب سال ارزش دارد. اینکه کتابی به چاپ برسد آن هم توسط یک ناشر دولتی و آن هم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۳ مسیر سخت برای شاعر است.»

این شاعر کودک و نوجوان افزود: در شعرهای مجموعه تا خیابان خوشبخت نگاه نوجوانانه داشته‌ام اما در استفاده از کلمات ممکن است اینگونه نبوده؛ ممکن است کلماتی که در شعر نوجوان من به کار رفته که در شعرهای بزرگسالان آقای امین پورهم وجود داشته باشد.

وی با تأکید بر معیارهای شعر خوب در جامعه گفت: «شعری که سر زبان‌ها نیافتد یک چیزی کم دارد. برخی شاعران مطرح هستند که شعرهاشان سر زبان‌ها نمی‌افتد اما همیشه تلاش کرده‌ام شعرم را نوجوانان بخوانند و تنها انتشار اهمیتی برایم نداشته است.»

نیک‌طلب ادامه داد: کلمه سنگین در شعرهای مجموعه به کار نبرده‌ام و اصلاً یکی از شعرهای این مجموعه برای استفاده در کتاب سال چهارم ابتدایی انتخاب شده است.

نیک طلب در ادامه عنوان کرد که در مجموعه شعر تا خیابان خوشبخت دغدغه‌های شخصی اش را شعر کرده و افزود: سعی کردم تا خیابان خوشبخت یک مجموعه مستقل باشد و در آن حرف‌های خودم را بزمن نه حرف‌های دیگران را، یکدستی کلام، خیال و اندیشه من باشد. معتقدم پشت این مجموعه شاعری است که درست است که برای نوجوانان شعر گفته اما پشت این حرف‌ها، تجربه‌های خودش قرار گرفته است. سعی کردم در شعرها از همه ویژگی‌هایی که یک مجموعه ادبی می‌تواند داشته باشد استفاده کنم.»

این شاعر گفت: برخی شاعران از بعضی امکانات شعری صرف نظر

می‌کنند اما من همرواه سعی می‌کنم تمام امکانات را بکار بگیرم البته ایرادهایی هم وجود دارد که در مجموعه ای بعدی سعی می‌کنم آن‌ها را اصلاح کنم. در مورد نشانه گذاری و اعراب گذاری در بعضی شعرها واقعا لازم است و در برخی شعرها هم اینطور فکر نمی‌کنم. در مجموع تلاش کردم این مجموعه با مجموعه‌های قبلی ام فرق داشته باشد و در واقع گلچینی از کارهایم باشد.

او صحبت‌هایش را اینگونه تمام کرد: «من انسان کم کاری هستم بنابراین سعی می‌کنم کاری کم ایراد روانه بازار نشر کنم؛ من شاعر نوجوانان هستم و ادعایی در شعر بزرگسال نداشته و ندارم البته تجربه‌هایی در زمینه‌های دیگر دارم ولی از ابتدا با نگاه نوجوانانه وارد شعر شدم و از نوجوانان هم جواب گرفتم.»